

من از بچگی آدم امیدواری بودم

دلنگرانی هنوز بعد از این همه سال می‌نشیند روی صدای باقر بیگی: ظهر به محض این که از مدرسه به خانه برگشتم به پدرم موضوع را گفتم و خواستم تا با هم به خانه بی بی برویم و بگوییم که اشتباه کرده‌ایم حالا یا قبول می‌کنند که من امروز تست بدهم یا قبول نمی‌کنند. من از همان کودکی همیشه فرد امیدواری بودم تا به الان هم همین طور هستم و معتقدم که آدم باید تا آخرین لحظه تلاش خود را کند.

او ادامه می‌دهد: من و پدرم به خانه بی بی رفتیم. خود آقای پورا احمد در را باز کرد و می‌گفتم که به اشتباه فکر کرده‌ام روز تست، امروز است. پورا احمد ابتدا گفت که تست دیگر تمام شده و فیلم بردار مان رفته است. من هم عذرخواهی و خداحافظی کردم که یکبار ه گویی نظرش عوض شد و به پدرم گفت که او به منزل برود و من آنجا بمانم تا فیلم بردارشان بیاید. بالاخره آن روز موفق به انجام تست شدم و آقای پورا احمد گفت ما تا یک هفته بعد خبر می‌دهیم که چه کسی انتخاب شده است.

نوی صورت پورا احمد می‌دیدم که من انتخاب شدم

این بازیگر جوان در نهایت گوی را از دیگران می‌رباید و نظر مساعد پورا احمد را هم؛ البته من همان لحظه‌ای که این جمله را از دهان کیومرث پورا احمد می‌شنیدم احساس می‌کردم و در دلم این امید را داشتم که من انتخاب شده‌ام. بعد از یک هفته به منزلمان آمدم، با خانواده‌ام صحبت کرد و با هم برای صحنه‌های فیلم لباس خریدیم و...

باقر بیگی در مورد حال و هوای سریال «قصه‌های مجید» هم می‌گوید: طبق گفته خود کیومرث پورا احمد، داستان این سریال تلفیقی از کودکی خودش بود و کتاب «قصه‌های مجید» که با قلم جادویی آقای مرادی کرمانی به نگارش درآمده است. کیومرث پورا احمد واقعا برای ساخته شدن آن سریال زحمت زیادی کشید به همین دلیل «قصه‌های مجید» سریالی استثنائی شد. با وجود این که ۳۳،۳۲ سال از ساخت آن گذشته و در طول این سال‌ها بارها از تلویزیون پخش شده اما همچنان هر بار که پخش می‌شود، مردم آن را تماشا می‌کنند و همچنان برایم پیش می‌آید که در مکان‌های مختلف هنگام برخورد با مخاطبان، آن‌ها خیلی از دیالوگ‌ها و ماجراهایی که برای مجید پیش آمده بود را برایم بازگو می‌کنند.

من پسر نداشته کیومرث بودم

او در مورد ارتباطش با کیومرث پورا احمد در این مجموعه می‌گوید: کیومرث پورا احمد به من خیلی لطف داشت و بارها به من می‌گفت که همیشه دوست داشتم یک پسر داشته باشم و حالا که ندارم، تو را پسر خودم می‌دانم و تو پسر معنوی من هستی. این برای من خیلی ارزشمند بود.

باقر بیگی همچنین به ادامه همکاری خود و کیومرث پورا احمد اشاره می‌کند: فکر می‌کنم سال ۱۳۷۲ بود که آخرین بخش‌های «قصه‌های مجید» را بازی کردم. بعد از «قصه‌های مجید» تصمیم گرفتم بگذارم مدتی از آن سریال بگذرد تا مردم بتوانند من را در نقش و چهره جدید ببینند.

به همین دلیل یک وقفه‌ای در بازیگری من افتاد تا دوباره در سال ۱۳۸۵ با خود آقای پورا احمد کار کردم. بعد از آن هم در سال‌های بعد، در فیلم‌های آقای جوزانی و آقای فتحی ایفای نقش کردم که آن‌ها نیز کارگردان‌های بنام و برجسته‌ای هستند و از هر کدامشان چیزهای زیادی یاد گرفتم اما کار با کیومرث پورا احمد برایم یک تفاوت ویژه‌ای با همه داشت. به واسطه این که در اولین تجربه بازیگری‌ام نزدیک به دو سال، هر روز کنار او سر صحنه بودم. او از همان زمان هر چیزی را که فکر می‌کرد به دردم می‌خورد و باعث می‌شود کارم را بهتر انجام دهم به من یاد می‌داد. با این که آن زمان ۱۰،۱۲ سال بیشتر نداشتم، تمام لنزها را برایم توضیح می‌داد، حساسیت فیلم و دیافراگم و...

جزئیات را بزرگ می‌دید

حالا مجید سریال از آن روزها و تجربه کار با یکی از حرفه‌ای‌ترین کارگردانان سینما و تلویزیون ایران می‌گوید: پررنگ‌ترین چیزهایی که از آن دوره به یاد دارم، تیم شادی بود که همه با علاقه کنار هم کار می‌کردند.

کیومرث پورا احمد حتی برای تشکیل گروه ساخت فیلم هم دقت زیادی داشت و سعی می‌کرد بهترین‌ها را دور هم جمع کند. مانند سریال «قصه‌های مجید» که صدابردار،



با وجود این که ۳۳،۳۲ سال از ساخت آن گذشته و در طول این سال‌ها بارها از تلویزیون پخش شده اما همچنان هر بار که پخش می‌شود، مردم آن را تماشا می‌کنند و همچنان برایم پیش می‌آید که در مکان‌های مختلف هنگام برخورد با مخاطبان، آن‌ها خیلی از دیالوگ‌ها و ماجراهایی که برای مجید پیش آمده بود را برایم بازگو می‌کنند

فیلم بردارها و همچنین بقیه عوامل فیلم از بهترین‌های ایران بودند. او از کوچک‌ترین چیزها به راحتی نمی‌گذشت و به جزئیات خیلی ریز کار هم دقت می‌کرد و تلاشش این بود که جزئیات را بزرگ کند. به دلیل این که برایش بسیار مهم بود که از خودش اثری خوب به یادگار بگذارد. علاقه و ذوقی که هنگام کار داشت، خیلی برایم جالب بود.

مرگ دست روی هنرمند بزرگی گذاشته است

ادامه گفتگو به مرگ کیومرث می‌رسد، کارگردان نامی سینما و تلویزیون ایران: کیومرث پورا احمد آدم صادقی بود، و بیش از همه با خودش، اگر فیلمی را می‌ساخت و خوب نمی‌شد، خودش می‌پذیرفت و وقتی با هم صحبت می‌کردیم، می‌گفت که فکر می‌کردم این فیلم خیلی بهتر از این شود و خودم هم از نتیجه‌اش راضی نیستم. او زحمت فراوانی برای حرفه‌اش کشید.

واقعا با عشق و علاقه می‌خواست به فرهنگ و هنر کشورمان خدمت کند و به نظرم در رسیدن به این خواسته موفق بود. ای کاش پیشتر می‌توانستیم از وجود او و تجربیات گرانبهایش استفاده کنیم و شرایط برای کار کردن او بیش از پیش فراهم می‌شد.

باقر بیگی در پایان گفت: کیومرث پورا احمد آدمی بود که هیچ‌وقت برای پول و مادیات کار نمی‌کرد. فقط دوست داشت که نام نیک از خودش باقی بگذارد و واقعا هم نام نیک از خودش بر جا گذاشت. افسوس که از کنارمان رفت اما نامش و آثارش همیشه در یاد مردم به جا می‌ماند.

